

فصلنامه روستا و توسعه، سال ۱۳، شماره ۳، پاییز ۱۳۸۹، صفحات ۱۰۵-۱۲۶

روند تحولات مدیریت روستا در ایران با تأکید بر عملکرد شوراهای اسلامی: مطالعه موردی منطقه سیستان

خدارحم بزی و صلاح هدایتی*

تاریخ دریافت: ۱۳۸۸/۷/۱۵ تاریخ پذیرش: ۱۳۸۹/۸/۹

چکیده

نظام مدیریت روستایی ایران در سال‌های اخیر به لحاظ ساختارهای اقتصادی-اجتماعی، دگرگونی‌های پیچیده‌ای داشته است. به طور کلی مدیریت روستاها تا سال ۱۳۴۱ متمرکز و در اختیار مالک، مباشر و کدخدا بوده است و از آن تاریخ تا سال ۱۳۵۷ در قالب انجمن ده، خانه انصاف و با همکاری کدخدا صورت می‌گرفته است. پس از انقلاب، شوراهای اسلامی روستایی محل اعمال سیاست‌های برخی از نهادهای وابسته به دولت بوده است. اهمیت موضوع از یک طرف، و تعدد روستاها در سیستان از طرف دیگر باعث شد تا این پژوهش در منطقه یادشده انجام پذیرد. فرض بر این بود که شوراها دارای عملکرد مثبتی در دستیابی به توسعه پایدار روستایی بوده‌اند. به این منظور ۵۰۰ پرسشنامه در سطح مناطق روستایی سیستان تکمیل گردید. نتایج حاصله بیانگر آن است که شوراها جز در مواردی که با کمبود یا نبود اعتبارات و امکانات لازم مواجه بوده‌اند، عملکرد مثبتی داشته‌اند.

کلیدواژه‌ها: مدیریت روستایی / شوراهای اسلامی روستایی / سیستان (منطقه).

* * *

* به ترتیب، نویسنده مسئول و استادیار گروه جغرافیای دانشگاه زابل (kh.bazi@yahoo.com)؛ و دانشجوی کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه زابل.

مقدمه

نظام مدیریت روستایی ایران طی سال‌ها به لحاظ ساختارهای اجتماعی، تحولات و دگرگونی‌های پیچیده‌ای داشته است و خلاء مدیریت کارآمد و اصولی در روستاها در تمامی ادوار، به خصوص در دهه‌های اخیر مشکلات فراوانی را برای روستاییان ایجاد کرده است. از یک سو، با توجه به تغییر شرایط و مقتضیات زمانی، دیگر ساختار سنتی مدیریت قادر به حل و فصل مشکلات این جامعه مولد نبود و از دیگر سو، ساختار جدید مدیریت روستایی که مبتنی بر مشارکت مردم در امور و برنامه‌ریزی از پایین به بالاست، به دلایل متعدد از جمله غیربومی بودن، نتوانست جایگاه خود را پیدا کند. روستاها به منزله مکان‌های تولیدی خاص با شیوه زندگی و فعالیت‌هایی متفاوت نسبت به شهرها، نیازمند الگوی مدیریتی مجزا و منطبق با شرایط اقتصادی - اجتماعی و بوم-شناختی حاکم بر روستا هستند (رکن‌الدین افتخاری و دیگران، ۱۳۸۶). با توجه به اهمیت جامعه روستایی در نظام تولید کشاورزی کشور، ضرورت‌های انکارناپذیری ما را وامی‌دارد تا در چارچوب توسعه ملی به مقوله روستا و توسعه روستایی عمیق‌تر بیندیشیم، چرا که تأمین مواد غذایی و خودکفایی نسبی جز از طریق متحول ساختن روستاهای کشور میسر نیست. این تحول باید افزون بر افزایش درآمد روستاییان، بهره‌مندی از خدمات و شرایط مناسب زندگی را نیز برای آنها فراهم آورد. این مهم تنها با اعمال مدیریت شایسته و کارآمد و بهره‌گیری از شیوه‌های مدیریتی مشارکتی امکان‌پذیر است.

وجود شورا و نظام شورایی کشور، به‌ویژه در سطح مدیریت روستاها و آن هم در منطقه سیستان در سال‌های اخیر، از این ضرورت حکایت دارد و بیانگر خواست پنهان و آشکار مردم برای برخورداری از نهادهای مدنی مناسب با اقتضائات این عصر تلقی می‌شود. نکته مهم آن است که شورا همانند دیگر مفاهیم جوامع نوین و مدنی، نه فقط یک فرصت و انتخاب، بلکه یک مرحله از رشد فکری و فرهنگی هر جامعه به شمار می‌آید. مشارکت واقعی مردم در برنامه‌ریزی، تصمیم‌سازی، اجرا و ارزشیابی پیامدهای

یک برنامه از مفاهیم مهم و باارزشی است که تحقق تفکر و نظام شورایی را میسر می‌سازد. بر این مبنا، قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در راستای بسترسازی برای تحقق مشارکت واقعی مردم در سرنوشت خود و اجرای دموکراسی به مفهوم واقعی آن، ابزارهایی را تدارک دیده است که از آن جمله می‌توان به شوراهای اسلامی روستایی اشاره کرد.

از آنجا که یکی از مهم‌ترین رخدادهای در عرصه مدیریت روستاهای کشور بحث شوراهای اسلامی روستایی بوده است، پرداختن به این شیوه مدیریت که مبتنی بر مشارکت و دخالت مردم در سرنوشت روستایشان است، ضرورت می‌یابد.

روش‌شناسی تحقیق

در تحقیق حاضر، از روش اسنادی به همراه مطالعات میدانی استفاده شده است. بدین معنا که گردآوری اطلاعات به وسیله پرسشنامه و بررسی سابقه پژوهش با مراجعه به کتابخانه‌ها انجام شده است.

فرضیه تحقیق بدین شرح است: «شوراهای اسلامی روستایی در منطقه سیستان دارای عملکرد مثبتی در زمینه نیل به توسعه پایدار روستایی بوده‌اند».

با توجه به تعداد روستاهای منطقه سیستان تصمیم گرفته شد که از هر بخش به طور تصادفی ۱۰ روستا انتخاب شود و با دهیار، اعضای شورا و مردم روستا مصاحبه به عمل آید. در انتخاب روستاها سعی شد از روستاهای با تعداد خانوار بالا، و روستاهای دارای دهیاری و شورای اسلامی فعال استفاده شود. بدین ترتیب، جامعه آماری این تحقیق را اعضای شورا، دهیاران و مردم ۵۰ روستای انتخاب شده در منطقه سیستان تشکیل می‌دهد. در نهایت، در هر روستا ۱۰ پرسشنامه، و جمعاً ۵۰۰ پرسشنامه تکمیل شد. در تجزیه و تحلیل پرسشنامه‌ها، پاسخ‌های دهیاران و اعضای شوراهای اسلامی با پاسخ‌های مردم مقایسه و درستی یا نادرستی آنها مشخص گردید.

تعریف مفاهیم

مدیریت روستایی

مدیریت مهم‌ترین عامل در حیات، رشد و بالندگی یا مرگ یک جامعه است و روند حرکت از وضع موجود به سوی وضع مطلوب را کنترل می‌کند (رکن‌الدین افتخاری و دیگران، ۱۳۸۶). روستاها به منزله نخستین واحدهای اجتماعی و مرکز استقرار و اسکان انسان‌ها، سازمان اجتماعی و مدیریتی خاص خود را داشته‌اند. پارادایم جدید مدیریت روستایی در ایران در محورهای مدیریت زمین و تولید کشاورزی، مدیریت زیرساخت‌ها و خدمات زیربنایی، مدیریت مالی و نظام درآمد - هزینه برای روستاها، مدیریت محیط‌زیست و توسعه پایدار، و مدیریت برای کاهش فقر و برقراری عدالت اجتماعی قابل بررسی است. مدیریت روستایی در واقع، فرایند سازمان‌دهی، هدایت جامعه و محیط روستایی از طریق شکل دادن به سازمان‌ها و نهادها است (رضوانی، ۱۳۸۳). بررسی جنبه‌های مختلف این محورها بیان‌کننده گستردگی مفهوم مدیریت روستایی در ایران است (قدیری معصوم و ریاحی، ۱۳۸۳). هنگامی که از مدیریت روستایی سخن به میان می‌آید، ممکن است لزوماً منظور مدیریتی اندیشیده شده و برنامه‌ریزی شده نباشد؛ به عبارتی، نقش عرف، عادات و سنن در مدیریت روستایی تعیین‌کننده است (طالب، ۱۳۷۶). از طرفی، دشواری مفهوم مدیریت روستایی ناشی از تفاوت دیدگاه‌های سازمان‌های اداری و اجرایی از یک سو، و در هم تنیدگی ابعاد مختلف حیات اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جامعه روستایی از سوی دیگر است (همان).

مدیریت و توسعه پایدار روستایی

در ایران طی چند دهه اخیر، توسعه روستایی به طور اعم، و مدیریت روستایی به طور اخص، از روند منسجم و طراحی شده‌ای برخوردار نبوده است. ذکر این نکته به معنای نفی اقدامات سازنده‌ای که در برخی از جوامع روستایی صورت پذیرفته، نیست؛ بلکه به مفهوم گسیختگی اهداف و برنامه‌ها و فقدان راهبردهای مشخص برای توسعه روستایی است (سعیدی، ۱۳۷۰). علی‌رغم خدمات گسترده دولت و نهادهای انقلابی در

روستاها، هنوز فاصله بین واقعیت‌های موجود و اهداف توسعه بسیار است و مشکلات فراوانی در جامعه روستایی وجود دارد که از سر راه برداشتن آنها معادل از بین بردن محرومیت‌ها در جوامع روستایی است؛ از این رو ایجاد زمینه توسعه تا حد زیادی در گرو تحقق یافتن مدیریت کارآمد اجرایی در روستاهاست (مهدوی، ۱۳۸۱). آلبرت واترسون^(۱) توسعه روستایی را فعالیت‌هایی مرکب از بخش‌های متعدد می‌داند که مهم‌ترین آنها حصول عواید اقتصادی و رفاه اجتماعی برای هر فرد روستایی است (همان). مایکل تودارو نیز توسعه‌یافتگی را جریانی چندبعدی می‌داند که مستلزم تغییرات اساسی در ساخت اجتماعی، طرز تلقی مردم و نهادهای ملی و نیز تسریع رشد اقتصادی، کاهش نابرابری و ریشه‌کنی فقر و بی‌عدالتی است (تودارو، ۱۳۶۴). در نهایت، توسعه روستایی را می‌توان نتیجه بلوغ اندیشه‌ها و تلاش پیگیر و اقدام جدی روستاییان برای بهسازی جامعه خویش از طریق خودآموزی، خودیاری و همیاری با استفاده از سهم ملی که به آنها تعلق می‌گیرد، تعریف کرد (مهدوی و نجفی کانی، ۱۳۸۴).

روند مدیریت روستایی در ایران

پیش از انقلاب اسلامی

مدیریت روستایی ایران در گذشته به صورت سنتی، به اشکال گوناگون و گاهی مشابه بوده است. دوره اولیه که طولانی‌ترین مرحله شکل‌بندی اقتصادی - اجتماعی ایران است، مراحل چون گردآوری خوراک، شبانی و کشاورزی سنتی را در بر می‌گیرد؛ در این مرحله اشکال گوناگون و گاه آشفته‌ای از شیوه‌های زندگی اقتصادی، اجتماعی و کشاورزی دیده می‌شود (سیف‌اللهی، ۱۳۷۴). حمله اعراب به ایران در قرن یکم هجری جامعه ایرانی را از حالت بسته به حالت باز منتقل می‌کند و دیوارهایی که جامعه ایرانی را در حصار گرفته بود، فرو می‌ریزد (شریعتی، ۱۳۶۹). از ظهور اسلام تا انقلاب مشروطیت نفوذ فرهنگ ایلی و عشیره‌ای را در جامعه شهری و روستایی کشور می‌بینیم، به طوری که بیشتر سلسله‌های محلی از عشایر بودند. این فرهنگ با حمله مغول‌ها به

ایران و تداوم حضور آنها در کشور تقویت شد (فوران، ۱۳۷۸). در دوره قاجاریه و به ویژه در اواخر این دوره که اعمال قدرت حکومت به پایتخت و شهرهای مرکزی ایلات محدود می‌شد، دو ویژگی بارز، یعنی سنتی بودن روستاها و نوع حکومت موجب می‌شد که در امور مربوط به روستاها جز در موارد خاصی مانند اخذ مالیات، دخالت چندانی وجود نداشته باشد. در این دوره نقش عمده در مدیریت روستایی بر عهده عناصری مانند کدخدا، سربنه و به طور کلی، مالکان بود و نظام درآمد - هزینه در روستا نیز عمدتاً در اختیار روستاییان از یک سو، و مالکان یا کدخدا از سوی دیگر قرار داشت (طالب، ۱۳۷۲). با روی کار آمدن رضاخان در سال ۱۳۰۴، علی‌رغم اینکه تحولات قابل توجهی در جامعه روستایی و مدیریت روستا رخ نداد، قوانینی به تصویب رسید که در نوع خود قابل توجه و تأمل است، هرچند زمینه‌های آنها به دوره قاجاریه برمی‌گردد. یکی از این قوانین، قانون کدخدایی است. بر اساس این قانون، که طی سال‌های ۱۳۱۴ تا ۱۳۱۸ تصویب و اجرا شد، کدخدا در یک روستا دارای وظایف و کارکردهایی برای انجام خدمات دولتی است (طالب، ۱۳۷۲). در آبان ماه ۱۳۱۶ نیز بر اساس نخستین قانون تقسیمات نوین کشوری، برای هر دهستان یک دهمدار و برای یک یا چند ده، یک کدخدا به عنوان نماینده دولت تعیین شد (وزارت کشور، ۱۳۱۶). پس از رضاخان، تحولاتی در نظام مدیریت روستایی پدید آمد که بارزترین نمونه آن در تصویب قانون مربوط به بنگاه عمرانی کشور به ویژه از جنبه اقتصادی و امور زیربنایی است. در این قانون که در سال‌های میانی دهه ۱۳۳۰ به مراحل تصویب و اجرا رسید، ترکیب انجمن ده و در واقع انجمن عمران ده مشتمل بر گروهی پنج نفره، شامل نماینده مالک، نماینده زارع، کدخدا و دو تن از معتمدین محلی، عمدتاً بر اساس اعتماد میان اهالی ده و نمایندگان مالک و زارع، پیش‌بینی شده بود (قدیری معصوم و ریاحی، ۱۳۸۳). در دهه ۱۳۴۰ با تصویب و اجرای قانون اصلاحات ارضی، قدرت مالکان در روستاها کاهش یافت. در پی آن، تحولات شگرفی در نحوه مناسبات اقتصادی روستاها به ویژه در امر بهره‌برداری‌های زراعی روی داد. تغییرات دهه ۱۳۴۰ منجر به اصلاح قوانین مربوط به

انجمن ده شد و انجمن‌های ده به عنوان نمایندگان رسمی دولت مطرح شدند. در این دوره قوانین دیگری مانند قانون تشکیل سپاه ترویج و آبادانی به نوعی مدیریت روستایی را در ایران تحت‌الشعاع قرار داد و با تشکیل وزارت تعاون و امور روستاها به جای وزارت اصلاحات ارضی و تعاون روستایی، این امر شدت بیشتری یافت (مهدوی، ۱۳۷۸).

پس از انقلاب اسلامی

پس از پیروزی انقلاب و با تأثیر از نگرش‌های حاکم و مستند به قانون اساسی، وظیفه مدیریت روستایی به عهده شوراهای اسلامی روستا سپرده شد. این شورا اگرچه ظاهراً جانشین انجمن ده بود، اما اعضای آن نمایندگان واقعی مردم و منتخبان واجد شرایط محسوب می‌شدند. قانون مربوط به شوراهای اسلامی در سال ۱۳۶۱ تصویب شد و در سال ۱۳۶۵ اصلاحاتی در آن صورت گرفت و تکمیل گردید. با تکمیل این قانون، جهاد سازندگی با آنکه به عنوان نهاد مدیریتی روستاها مطرح نشد، اما در عمل، عمدتاً تمامی مسائل مربوط به روستاهای ایران بر عهده این نهاد بود. علاوه بر جهاد سازندگی، بنیاد مسکن انقلاب اسلامی نیز به عنوان یکی از مهم‌ترین متولیان امور مربوط به روستاها، به ویژه در بخش مسکن، مطرح شد. اگر چه بنیاد مسکن در آغاز با اهداف مشخص، در روستاها عمل می‌کرد، پس از مدتی از اهداف اولیه فاصله گرفت و بر فعالیت‌های عمرانی، طرح‌های هادی و بهسازی متمرکز شد. در سال‌های اخیر نیز بخشی از مسائل روستاها به این بنیاد سپرده شد. از دیگر نهادهای انقلابی روستاها علاوه بر جهاد سازندگی و بنیاد مسکن، می‌توان از شورای عالی کشاورزی، مراکز خدمات کشاورزی، روستایی و عشایری، هیئت‌های هفت‌نفره واگذاری زمین، مراکز و خانه‌های بهداشت، مجتمع‌های بهزیستی روستایی، کمیته امداد امام خمینی و بسیج نام برد (مهدوی، ۱۳۷۸). شاید نقطه عطف تحولات در مدیریت روستایی ایران، تصویب قانون تشکیلات، وظایف و انتخاب شوراهای اسلامی در سال ۱۳۷۵ باشد. در این قانون بر شورای اسلامی به عنوان تنها نهاد مدیریت در روستاها تأکید شد و بر اساس آن و طبق ضوابط جمعیتی، تعداد اعضای شورا برای روستاهای با جمعیت کمتر از ۱۵۰۰ نفر

۳ نفر، و برای روستاهای با جمعیت بیش از ۱۵۰۰ نفر، ۵ عضو در نظر گرفته شد. در سال ۱۳۷۷ نیز به وزارت کشور اجازه داده شد تا برای امور روستایی به تأسیس دهیاری‌ها اقدام کند. این امر با توجه به وضعیت فعلی مدیریت شهری در ایران، موجب تحول شگرفی در روستاها شد که بر طبق آن دو نهاد شوراهای اسلامی و دهیاری‌ها که منتخب شوراها و بازوی اجرایی آنها به حساب می‌آیند، در روستاها به فعالیت می‌پرداختند (قدیری معصوم و ریاحی، ۱۳۸۳).

شوراهای اسلامی روستایی

شکل‌گیری

بحث شوراها در ایران از حیث تاریخی به قبل از انقلاب اسلامی بر می‌گردد. در اصول ۹۰ تا ۹۳ قانون اساسی مشروطیت، موضوع شوراهای محلی و انجمن‌های ایالتی و ولایتی مطرح شده است. پیشینه قانون شوراها، یا به تعبیر آغازین خود انجمن‌های بلدی، به تشکیل نخستین نهاد قانون‌گذاری (مجلس شورای ملی) می‌رسد. به عبارت دیگر یکی از نخستین قوانین مصوب مجلس شورای ملی، قانون بلدی است که در سال ۱۲۸۶ خورشیدی به تصویب رسید و به این ترتیب یکی از آرمان‌های بزرگ انقلاب مشروطه جامه عمل پوشید. مشارکت واقعی مردم در برنامه‌ریزی، تصمیم‌گیری، اجرا و ارزشیابی، از مفاهیم مهم و بارزشی است که تحقق تفکر و نظام شورایی را میسر می‌سازد. با پیروزی انقلاب اسلامی و تشکیل جهاد سازندگی و همچنین بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، روستاییان با نهادهای تازه انقلاب آشنا شدند. گروه‌های مختلف سیاسی نیز با توسل به «شورا» هر یک به نوعی در صدد بودند تا با طرح تشکیلات شورایی در روستاها، ضعف ارتباطی بین دولت و ده را که در جریان انقلاب شدیداً لطمه خورده بود، احیا کنند (طالب، ۱۳۷۶).

نقش و عملکرد

نظام شوراهای اسلامی روستاها در مدیریت روستایی ایران متأثر از اتخاذ راهبرد مشارکت مردم در روند توسعه است. مشارکت را می‌توان روشی جهت افزایش و توزیع مجدد فرصت‌های شرکت جستن در تصمیم‌گیری‌های اجتماعی و همیاری در توسعه و بهره‌مندی از ثمرات آن تعریف کرد (اوکلی و مارسدن، ۱۳۷۰). با این وصف، مشارکت روستاییان نیازمند برنامه‌ریزی‌های محلی است، بدین معنی که برنامه‌ریزی‌های ملی و منطقه‌ای بیشتر به توسعه شهرها و گاهی مناطق مستعد روستایی می‌انجامند و از این رو، تضمین‌کننده توسعه روستایی نیستند. چگونگی حل مشکل با استفاده از منابع محدود و کمیاب و نیز بهره‌مندی از دانش بومی از مهم‌ترین نکات در مشارکت روستاییان شمرده می‌شود (دیاس و ویکرامانایاک^(۲)، ۱۳۶۸). پس از پیروزی انقلاب اسلامی، تصویب اولین لایحه قانونی انتخابات شوراهای روستاها در سال ۱۳۵۸، زمینه تشکیل شوراهای اسلامی روستایی را فراهم ساخت. با سپری شدن مدت قانونی اولین دوره انتخابات شوراهای روستاها، انتخابات مجدد به دلایل مختلفی انجام نشد و از این رو، بسیاری از شوراهای روستایی عملاً منحل شدند و گاهی به صورت نیمه فعال به حیات خود ادامه دادند. با این حال، شوراهای روستایی موفقیت قابل توجهی کسب نکردند که در زیر به برخی از دلایل این ناکامی اشاره می‌شود:

۱- به‌رغم کوتاه شدن دست مالکان و خوانین و عوامل خانه‌های انصاف و انجمن ده از روستا، نفوذ غیرمستقیم بسیاری از آنها بر کارکردهای روستایی و گاهی در عملکرد شوراهای اسلامی روستایی وجود داشت و در نتیجه، نقش مدیریت شورایی کمرنگ می‌شد؛

۲- از آنجا که جهادگران از تشکیل دهندگان شوراهای اسلامی روستایی بودند، در تصمیم‌گیری‌های شورا به دلایل خیرخواهانه به جای شورا تصمیم می‌گرفتند و بدین ترتیب به جای شورا در مدیریت روستایی نقش آفرینی می‌کردند؛

۳- با توجه به اینکه از جنبه‌های اداری و قانونی جایگاه روشنی برای شوراهای اسلامی وجود نداشت، تصمیم‌گیری‌های شوراهای اسلامی فاقد ضمانت اجرایی لازم بود و

به همین سبب، بسیاری از شوراهای در همان سال‌های اولیه انقلاب و تعدادی دیگر در سال‌های بعد عملاً کارایی لازم را از دست دادند؛

۴- نفوذ و موازی‌کاری نهادها و سازمان‌های دیگر که به تدریج در کنار شوراهای اسلامی در روستاها فعال شدند، نقش مؤثری در کمرنگ شدن کارکردهای شوراهای اسلامی روستایی داشتند.

اکنون مدیریت روستایی ایران بر عهده شوراهاست و ضرورت دارد کلیه امور را مردم طراحی، برنامه‌ریزی و اجرا کنند؛ اما شوراهای اسلامی روستایی فاقد تشکیلاتی مشخص و مدون هستند و بدون بودجه مستقل و مشخص، در به کارگیری نیروها و تخصص‌های لازم و فعالیت در اموری مانند کشاورزی، صنایع روستایی، انتظامات روستا، همکاری با مأموران سیاسی و امنیتی، احداث و اصلاح معابر، اجرای طرح‌های هادی، شبکه برق و آب، و بالاخره در امور مربوط به دعاوی حقوقی، کارایی چندانی ندارند (قدیری معصوم و ریاحی، ۱۳۸۳).

اهداف

- تمرکززدایی از نظام اداری کشور؛
- مشارکت مردمی؛
- سپردن کار به مردم؛
- تسریع در انجام امور؛
- کنترل و نظارت اجتماعی؛
- رفع تبعیض؛
- تکمیل کار دستگاه‌های دولتی؛
- آگاه‌سازی مردم؛
- افزایش توان دولت و هدایت برنامه‌های محلی؛
- مشاوره به دولت و زیرمجموعه‌های دولت (موسوی کربلایی، ۱۳۸۵).

تشکیل شوراهای اسلامی به دست جهاد سازندگی

در قانون تشکیلات شوراهای اسلامی کشور که در دهم شهریور ۱۳۶۱ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسیده، آمده است «انتخابات شوراهای روستایی توسط جهاد سازندگی زیر نظر وزارت کشور انجام خواهد شد. آیین‌نامه مربوط به وسیله این دو ارگان تدوین می‌شود». این دو نهاد در ظرف مدت کمتر از دو سال بیش از ده‌هزار

شورای اسلامی را در روستاها پدید آوردند. انجمن‌های ده، خانه انصاف و حتی کدخداها و خلاصه تمام عواملی که از روستا با دولت در ارتباط بودند، کنار گذاشته شدند. وظایف شورای اسلامی ده طبق قانون عبارت بودند از:

- نظارت و همکاری با مسئولان اجرایی و نهادهای انقلابی در امور اجتماعی، فرهنگی، عمرانی و اقتصادی؛
- مراقبت در اجرای مقررات بهداشتی و حفظ نظافت ده و تأمین بهداشت محیط؛
- کوشش در جهت احیا و لایروبی قنوات و نهرهای متروکه؛
- تشویق اهالی ده به ایجاد کارهای دستی و توسعه صنایع روستایی؛
- تشویق مردم به تأسیس مساجد و تکایا و بقاع متبرکه و حفظ آثار باستانی؛
- تشکیل کلاس‌های سوادآموزی؛
- همکاری با وزرات کشاورزی و ایجاد تعاونی‌ها و نظارت بر آنها (طالب، ۱۳۷۶).

آثار مثبت شوراهای

- ۱- شوراهای به عنوان نهاد مردمی بر روی افراد جامعه از نظر ارزشی، نگرشی و واکنشی، تأثیرات بسیار مثبت و خوبی بر جای می‌گذارند؛
- ۲- فعالیت شوراهای باعث اجتماعی شدن افراد از طریق توجه به ارزش‌ها و رفتارها می‌شود. از آثار اجتماعی شوراهای این است که کمک فزاینده‌ای به ثبات اجتماعی می‌کنند. از جهت کارکردی نیز، شوراهای دولت می‌توانند کارایی دوجانبه یکدیگر را رونق بخشند؛
- ۳- کاهش هزینه‌های دولتی، ایفای نقش نظارتی مشورتی، بهبود و نقد برنامه‌های ملی و شناسایی موانع، مشکلات و ناهنجاری‌ها از جمله پیامدهای مثبت همکاری دولت با نهاد مردمی شوراهاست؛
- ۴- شوراهای با ارائه اطلاعات و داده‌های خود از جامعه که به دلیل در نظر گرفتن ملاحظات سیاسی در فرایند جمع‌آوری، طبقه‌بندی و تحلیل اطلاعات و نیز ارتباط مستقیم با مسائل و مشکلات واقعی‌تر می‌نمایند، می‌توانند مراکز دولتی را در

- تدوین سیاست‌ها با هزینه کمتر یاری کنند و با تبادل تجارب و اطلاعات تخصصی شوراها، امکان سیاست‌گذاری را فراهم سازند؛
- ۵- فعالیت شوراها برخلاف سازمان‌ها و مراکز سیاسی و قانونی که مقررات و فضای سازمانی بر آنها حاکم است، بر هنجارهای عاطفی مشترک استوار است؛
- ۶- تعامل و همکاری میان دولت و شوراها به افزایش ثبات و گسترش امنیت اجتماعی می‌انجامد (موسوی کربلایی، ۱۳۸۵).

آسیب‌شناسی شوراها

- عمده‌ترین آسیب‌ها و چالش‌هایی که شوراهای اسلامی را تهدید می‌کنند عبارت‌اند از:
- ۱- فقدان فرهنگ کار جمعی و گروهی: فرهنگ عمومی جامعه ما با آن که دارای قابلیت‌های ویژه‌ای است، ولی از کمبودهایی رنج می‌برد که نبود فرهنگ کار گروهی و جمعی از آن جمله است. عادات فردگرایانه و تک‌روی و خودمحوری بر بسیاری از کارهای گروهی سایه افکننده و آن را با مخاطره جدی مواجه ساخته است. بروز اختلافات و مناقشات در شوراها گواه بر این مدعا است؛
- ۲- سیاسی شدن شوراها: شوراها نهادهای مردمی فعال در حوزه غیرسیاسی جامعه‌اند و چارچوب کارکرد آنها امور اجتماعی، اقتصادی، و فرهنگی است (اصل ۱۰۰ قانون اساسی). شوراها حزب نیستند و نباید کارکرد پنهان سیاسی داشته باشند، بلکه باید به توزیع قدرت پردازند و از تمرکز قدرت در دست حاکمیت جلوگیری کنند. با این حال، در دوره‌های گذشته شاهد حرکت‌های سیاسی از شوراها بوده‌ایم؛
- ۳- مشکلات قانونی: قوانین موجود با نارسایی‌هایی غیرقابل‌انکار در خصوص شوراها مواجه‌اند. وضعیت سیاست‌گذاری، نظارت، و مدیریت امور شوراها چندان مشخص نیست؛
- ۴- عدم نگرش تخصصی و علمی: متخصص نبودن برخی از اعضای شوراها منجر به ناکارآمدی این نهاد در بعضی امور شده است.
- ۵- با این حال، این آسیب‌ها و ناکارآمدی‌ها نمی‌بایست به نفی اصل شوراها بینجامد (موسوی کربلایی، ۱۳۸۵).

سوابق پژوهش

در مورد فعالیت‌های شوراهای اسلامی تاکنون مطالعات چندی انجام شده که هیچ‌کدام به بررسی همه‌جانبه نقش شوراها در مدیریت روستا پرداخته‌اند، بلکه بیشتر به اموری مانند تشکیل جلسه، و فعالیت‌های انجام‌شده بسنده کرده‌اند. در خصوص مدیریت روستایی و نقش آن در توسعه روستایی و کشاورزی نیز تحقیقاتی صورت گرفته است. از بین نهادهای مسئول در اداره امور روستاها، از سالیان قبل بنیاد مسکن اقداماتی در این زمینه انجام داده است که جامع‌ترین آن را مهدی طالب تدوین کرده است (طالب، ۱۳۷۲).

رضوانی (۱۳۸۳) به بررسی سیر تحول مدیریت توسعه روستایی در کشور با توجه به اهمیت مشارکت در این فرایند پرداخته و در پایان پیشنهادهایی برای اصلاح ساختار مدیریت توسعه روستایی ارائه کرده است.

نوروزی‌فر (۱۳۸۰) به ایجاد و توسعه سازمان‌های محلی در قرن حاضر پرداخته است.

علاوه بر کتاب‌های بالا، می‌توان به تحقیقات نعمتی (۱۳۸۵)، خسروی‌پور (۱۳۷۲)، کوچکیان فرد (۱۳۸۶)، افتخاری و دیگران (۱۳۸۶)، بدری (۱۳۸۶)، و قدیری معصوم و ریاحی (۱۳۸۳) نیز اشاره کرد.

بحث و نتایج

گره مدیریت روستایی در ایران طی چند دهه گذشته و شاید در صد سال اخیر در ابعاد سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی یکی از مهم‌ترین چالش‌های برنامه‌ریزان و متخصصان بوده است. این مسئله برای روستا و روستاییان نیز که اساس حیات اجتماعی ایران بر آنها استوار است، اهمیت دارد. با این حال، هدف اصلی این مقاله بازگشایی این گره نیست، زیرا واضح است که رفع مشکلات مدیریت روستایی فراتر از توان یک گروه متخصص و محقق است. هدف اساسی، بررسی موفقیت یا ناکامی شوراهای روستایی در مدیریت روستایی است. با توجه به این هدف و به منظور آگاهی

دقیق از نوع عملکرد شوراهای روستاها، دو دسته پرسشنامه طراحی شد: یک دسته برای روستاییان، و دسته دیگر برای اعضای شوراهای روستایی و دهیاران. در این راستا، ۵۰۰ پرسشنامه در ۵۰ روستای منطقه سیستان توزیع شد، به گونه‌ای که در هر روستا یک پرسشنامه را اعضای شورا و ۹ پرسشنامه دیگر را مردم تکمیل کردند. نتایج حاصله در دو بخش، شامل یافته‌های مربوط به شوراهای اسلامی روستا، و یافته‌های به دست آمده از سرپرستان خانوار به شرح زیر آورده شده است:

یافته‌های مربوط به شوراهای اسلامی روستا

برای تکمیل پرسشنامه‌ها روستاهای دارای دهیاری و شورای اسلامی انتخاب شدند. از کل روستاهای انتخابی تنها یک روستا بود که انتخابات شورای اسلامی فقط یک بار در آن برگزار شده بود.

بنابراین، بیشتر روستاهای انتخابی از زمان برگزاری اولین دوره انتخابات شوراهای اسلامی روستا، از این امکان برخوردار شده‌اند. با توجه به یافته‌های تحقیق و به گفته اعضای شوراهای اسلامی روستاها، بیش از ۷۰ درصد از مردم در انتخابات شرکت کرده‌اند. بر این اساس، ۹۳/۶ درصد از اعضای شوراها علت کاندید شدن خود در انتخابات را خدمت به مردم، و ۶/۴ درصد نماینده شدن از جانب طایفه خویش ذکر کردند. حدود ۵۱/۱ درصد از این افراد برای ۳ دوره متوالی کاندید شده‌اند. به لحاظ تحصیلی، ۶/۴ درصد از اعضای شوراها بی‌سواد، ۴۸/۹ درصد دارای مدرک سیکل، ۲۹/۸ درصد دیپلمه، و ۱۴/۹ درصد دارای کاردانی بوده‌اند. به گفته اعضای شوراها، اعتماد ۷۶/۶ درصد از مردم به شوراها عالی و اعتماد ۲۳/۴ درصد ضعیف بوده است.

بر همین اساس، ۹۱/۵ درصد شوراها با مردم جلسات همفکری برگزار کرده‌اند؛ ۱۰/۶ درصد این جلسات هفتگی، ۸۰/۹ درصد ماهیانه، و ۲/۱ درصد سالانه بوده است. ۹۷/۹ درصد شوراها اظهار داشته‌اند که در رفع مشکلات و معضلات روستا کوشا بوده‌اند؛ در این زمینه، میزان مشارکت و همکاری ۵۱/۱ درصد مردم با شوراها عالی،

۴۴/۷ درصد خوب و ۴/۳ درصد متوسط اعلام شده است. به نظر می‌رسد مردم در رفع مشکلات خویش بی‌تفاوت نبوده‌اند و تا حد امکان با شورا و مسئولان محلی همکاری داشته‌اند.

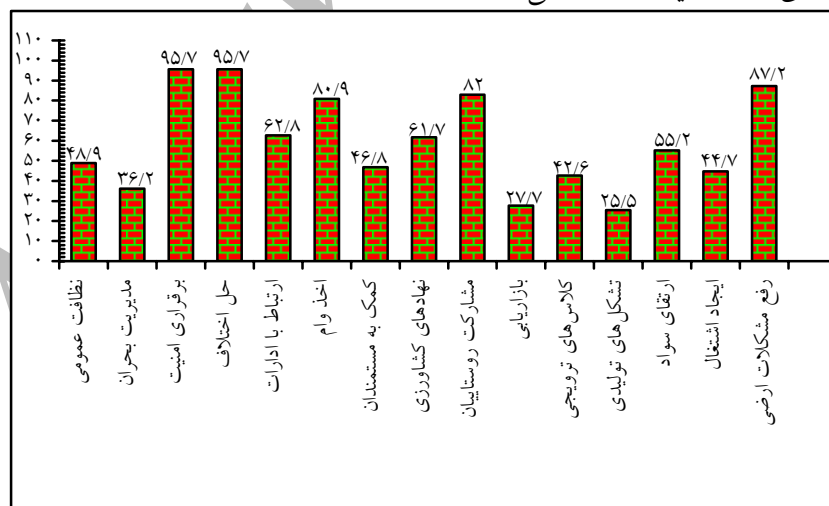
از اعضای شوراها خواسته شد تا بر اساس جدولی که در اختیارشان قرار می‌گرفت، فعالیت‌های دیگری را که علاوه بر فعالیت‌های فوق انجام می‌دهند، علامت بزنند (جدول ۱).

جدول ۱- نوع و میزان فعالیت اعضای شوراها در راستای توسعه روستایی در منطقه سیستان، ۱۳۸۸

ردیف	نوع فعالیت	درصد شوراهای فعال
۱	برقراری نظافت عمومی روستاها (جمع‌آوری و دفع زباله‌های خانگی و جلوگیری از جریان فاضلاب در معابر)	۴۸/۹
۲	مدیریت بحران در حوادث (کمک به روستاییان هنگام حوادث)	۳۶/۲
۳	همکاری با نیروی انتظامی در برقراری امنیت	۹۵/۷
۴	حل اختلافات بین روستاییان	۹۵/۷
۵	ارتقای فرهنگی از طریق تأسیس کتابخانه و تجهیز آن	۲۵/۵
۶	برقراری ارتباط مناسب با ادارات مرتبط با توسعه روستایی	۶۳/۸
۷	واسطه‌گری جهت اخذ وام برای روستاییان	۸۰/۹
۸	کمک به مستمندان از طریق مساعدت اهالی	۴۶/۸
۹	تهیه نهاده‌های کشاورزی مورد نیاز روستاییان	۶۱/۷
۱۰	مشارکت دادن روستاییان در تصمیم‌گیری	۸۳
۱۱	بازاریابی تولیدات روستایی	۲۷/۷
۱۲	برگزاری دوره و کلاس‌های ترویجی	۴۲/۶
۱۳	ایجاد تشکل‌های تولیدی و خدماتی در روستاها	۲۵/۵
۱۴	ارتقای سطح سواد روستاییان با برگزاری کلاس‌های سوادآموزی	۵۵/۳
۱۵	کمک به روستاییان در زمینه ایجاد اشتغال و افزایش درآمد	۴۴/۷
۱۶	رفع مشکلات ارضی	۸۷/۲
۱۷	معرفی روستاییان به ادارات جهت حل مشکلات آنان	۸۹/۴

مأخذ: یافته‌های تحقیق

طبق جدول فوق بیشترین خدمات و فعالیت‌های شوراهای روستاها عبارت‌اند از: همکاری با نیروی انتظامی و برقراری امنیت (۹۵/۷ درصد)، حل اختلاف روستاییان (۹۵/۷ درصد)، معرفی به ادارات (۸۹/۴ درصد)، رفع مشکلات ارضی (۸۷/۲ درصد)، مشارکت دادن روستاییان در تصمیم‌گیری (۸۳ درصد)، واسطه‌گری جهت اخذ وام برای روستاییان (۸۰/۹ درصد)، برقراری ارتباط با ادارات مرتبط با توسعه روستایی (۶۳/۸ درصد)، تهیه نهاده‌های کشاورزی (۶۱/۷ درصد)، ارتقای سطح سواد روستاییان (۵۵/۳ درصد)، و برگزاری دوره‌های ترویجی (۴۲/۶ درصد). به نظر می‌رسد شوراهای روستایی تا حد توان خود در پیشبرد اهداف توسعه روستایی کوشا هستند و در این زمینه کوتاهی نکرده‌اند؛ چنانچه در مواردی هم نتوانسته‌اند فعالیتی انجام دهند، علت آن عواملی چون نبود اعتبار کافی، سنتی بودن فرهنگ مردم، دور بودن روستا، و محرومیت اقتصادی منطقه بوده است. علاوه بر این، بیش از ۹۰ درصد اعضای شوراهای روستاها با ابراز رضایت از عملکرد خود، آن را عالی ارزیابی، و اظهار کرده‌اند که بعد از تأسیس شورا، شاهد رفع ۹۰ درصد مشکلات روستا بوده‌اند. نمودار ۱ میزان فعالیت شوراهای روستاها را در روستاهای منطقه سیستان نشان می‌دهد.



مأخذ: نگارندگان

نمودار ۱- نوع و میزان فعالیت شوراهای اسلامی روستاها در منطقه سیستان، ۱۳۸۸

یافته‌های مربوط به سرپرستان خانوار

در این بخش حدود ۴۵۰ پرسشنامه به طور مساوی در ۵۰ روستا توزیع شد (هر روستا ۹ پرسشنامه). در پرسشنامه سرپرستان خانوار فعالیت‌های شوراها مورد پرسش قرار گرفت و نحوه انجام و صحت آنها بررسی شد. یافته‌های پرسشنامه سرپرستان خانوار به این شرح است: ۱۰۰ درصد نمونه‌ها اعلام کردند که روستای آنها دارای شورا است. ۸۱/۵ درصد روستاها از دور اول، یعنی از سال ۱۳۷۷ از شورای اسلامی برخوردار بودند. حدود ۹۵ درصد روستاییان در انتخابات شوراها شرکت کرده‌اند که آمار فوق صحت گفته اعضای شوراها را تأیید می‌کند. ۸۸/۵ درصد از سرپرستان خانوارها علت داوطلب شدن اعضای شوراها را خدمت به مردم دانسته‌اند. بیش از ۷۰ درصد از نمونه‌ها به شوراها اعتماد کامل داشته‌اند. بر همین اساس، ۸۸/۵ درصد اعلام کرده‌اند که شورا در هنگام تصمیم‌گیری درباره مشکلات و برنامه‌ریزی با آنها همفکری داشته، و جلسات مربوطه به صورت ماهیانه برگزار می‌شده است. حدود ۹۸ درصد عنوان کرده‌اند که شورا سعی خود را در بررسی مشکلات روستا مبذول داشته است. علاوه بر موارد فوق، حدود ۹۰ درصد از نمونه‌ها (سرپرستان خانوار) اعلام کرده‌اند که شوراها در رفع مشکلات روستاها بی‌تفاوت نبوده‌اند (مشابه نظرات اعضای شوراها). در یک جمع‌بندی می‌توان گفت که تا این مرحله از تجزیه و تحلیل پرسشنامه‌ها، شوراها در رفع مشکلات مردم کوشا بوده و در زمینه خدمت به روستای خویش کوتاهی نکرده‌اند و فعالیت‌های آنان در راستای توسعه روستایی بوده است. علاوه بر موارد فوق، از سرپرستان خانوارها خواسته شد تا فعالیت‌های آمده در پرسشنامه را در صورتی که شورای روستا انجام داده است، علامت بزنند. نتایج تجزیه و تحلیل پرسشنامه‌ها در جدول ۲ آمده است.

جدول ۲- میزان فعالیت شوراهای اسلامی روستاها از نظر سرپرستان خانوارها
در منطقه سیستان، ۱۳۸۸

ردیف	نوع فعالیت	درصد انجام فعالیت
۱	برقراری نظافت عمومی روستاها (جمع‌آوری و دفع زباله‌های خانگی و جلوگیری از جریان فاضلاب در معابر)	۶۰/۶
۲	مدیریت بحران در حوادث غیرمترقبه (کمک به روستاییان در هنگام حوادث)	۶۵/۳
۳	همکاری با نیروی انتظامی برای برقراری امنیت	۸۷/۶
۴	حل اختلافات بین روستاییان	۹۷/۱
۵	ارتقای فرهنگی از طریق تأسیس کتابخانه و تجهیز آن	۱۰/۶
۶	ارتباط مناسب با ادارات مرتبط با توسعه روستایی	۳۸/۸
۷	واسطه‌گری برای اخذ وام مورد نیاز روستاییان	۷۷/۶
۸	کمک به مستمندان از طریق مساعدت اهالی	۵۸/۸
۹	تهیه نهاده‌های کشاورزی مورد نیاز روستاییان	۳۸/۲
۱۰	مشارکت روستاییان در تصمیم‌گیری	۶۷/۶
۱۱	بازاریابی تولیدات روستایی	۷/۶
۱۲	برگزاری دوره و کلاس‌های ترویجی	۳۱/۸
۱۳	ایجاد تشکل‌های تولیدی و خدماتی در روستاها	۱۸/۸
۱۴	ارتقای سطح سواد روستاییان از طریق برگزاری کلاس‌های سوادآموزی	۷۷/۶
۱۵	کمک به روستاییان در زمینه ایجاد اشتغال و افزایش درآمد	۳۳/۵
۱۶	رفع مشکلات ارضی	۷۲/۹
۱۷	معرفی به ادارات جهت حل مشکل روستاییان	۸۰

مأخذ: یافته‌های تحقیق

بنابر یافته‌های فوق می‌توان گفت که پاسخ شوراها تفاوت چندانی با پاسخ سرپرستان خانوار ندارد، مگر در چند مورد اندک. در یک جمع‌بندی می‌توان گفت که شوراها در توسعه و پیشبرد و رفع معضلات روستایی موثر بوده‌اند. به تعبیری دیگر می‌توان گفت در مواردی که شوراها نتوانسته‌اند فعالیت زیادی انجام دهند، دلیل آن نبود امکانات و اعتبارات کافی بوده است. با توجه به اینکه اعضای شوراهای روستایی

حقوق و مزایایی دریافت نمی‌کند و علاوه بر آن هدف از کاندید شدن آنها، از نظر خودشان و سرپرستان خانوار خدمت به مردم بوده است. در یک ارزیابی باید گفت اعضای شوراهای روستا در امر توسعه روستایی نه تنها کوتاهی نکرده، بلکه موفق هم بوده‌اند. در نمودار ۲ ملاحظه می‌شود که شوراهای روستا در رفع مشکلات روستاییان بی‌تفاوت نیستند و تا حد امکان در جهت توسعه اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و کالبدی روستا تلاش می‌کنند. علاوه بر موارد فوق، بیش از ۸۰ درصد از سرپرستان اظهار داشته‌اند که بعد از تأسیس شورای اسلامی در روستای آنها، آرامش زندگی مردم بیشتر شده است و فعالیت‌های زیادی را از جانب شوراهای روستا دیده‌اند.



مأخذ: نگارندگان

نمودار ۲- میزان فعالیت شوراهای اسلامی روستاها از نظر مردم در منطقه سیستان، ۱۳۸۸

جمع‌بندی

با تجزیه و تحلیل پرسشنامه‌های تکمیل شده از طرف اعضای شوراهای روستاها و مردم، می‌توان نتیجه گرفت که شوراهای اسلامی روستاهای مورد مطالعه از زمان تأسیس تاکنون در زمینه توسعه روستا عملکرد مثبتی داشته‌اند. حدود ۹۳/۶ درصد از اعضای شوراهای

۸۸/۵ درصد از سرپرستان خانوار اعلام کرده‌اند که هدف اعضای شورا از داوطلب شدن در انتخابات شوراهای خدمت به مردم بوده است؛ بنابراین می‌توان گفت که هدف شوراهای تنها خدمت به مردم بوده است. بنابراین، می‌توان گفت که شوراهای اسلامی روستا با توجه به توانایی خویش تا کنون از هیچ تلاشی در جهت رفع معضلات روستاها دریغ نکرده‌اند و نارسایی‌هایی هم که گاه مشاهده می‌شود، ناشی از کمبود اعتبارات در دسترس اعضا، دیوان‌سالاری، و بی‌توجهی مسئولان به جامعه روستایی بوده است.

یادداشت‌ها

1. Albert Waterson
2. Hiran D. Dias and B. W. E. Wickramanayake

منابع

- اوکلی، پیتر و مارسدن، دیوید (۱۳۷۰)، *رهیافت‌های مشارکت در توسعه روستایی*. ترجمه منصور محمودنژاد. تهران: وزارت جهاد سازندگی.
- بدری، سید علی (۱۳۸۶)، «نقش روابط تعاملی شوراهای اسلامی روستایی، دهیاران و مردم در توسعه پایدار روستایی». *ماهنامه پژوهشی، آموزشی و ترویجی دهیاری‌ها*، شماره ۲۱.
- تودارو، مایکل (۱۳۶۴)، *توسعه اقتصادی در جهان سوم* (جلد ۱). ترجمه غلامعلی فرجادی. تهران: سازمان برنامه و بودجه.
- خسروی‌پور، بهمن (۱۳۷۲)، *بررسی نقش رهبران محلی در ترویج فنون و روش‌های نوین کشاورزی روستاهای گتوند، شهرستان شوشتر*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد ترویج و آموزش کشاورزی. تهران: دانشگاه تربیت مدرس، دانشکده کشاورزی.
- دیاس، هیران دی. و ویکرامانایاک، بی. دابلیو. ای. (۱۳۶۸)، *درسنامه برنامه‌ریزی توسعه روستایی*. ترجمه ناصر فرید. تهران: وزارت جهاد سازندگی، مرکز تحقیقات و بررسی مسائل روستایی.

رضوانی، محمد رضا (۱۳۸۳)، *مقدمه‌ای بر برنامه‌ریزی توسعه روستایی در ایران*. تهران: قومس.

رکن‌الدین افتخاری، عبدالرضا؛ سجاسی قیداری، سعید و عینالی، جمشید (۱۳۸۶)، «نگرشی نو به مدیریت روستایی با تأکید بر نهادهای تأثیرگذار». *فصلنامه روستا و توسعه*، سال ۱۰، شماره ۲.

سعیدی، عباس (۱۳۷۰)، *تحلیل و نقد شیوه‌های طبقه‌بندی روستاها*. گزارش اول، تهران: بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، معاونت عمران روستایی.

سیف‌اللهی، سیف‌الله (۱۳۷۴)، *اقتصاد سیاسی ایران (مجموعه مقاله‌ها و نظرها)*. تهران: پژوهشکده جامعه پژوهی و برنامه‌ریزی میزان.

شریعی، علی (۱۳۶۹)، *بازشناسی هویت ایرانی - اسلامی*. تهران: الهام.

طالب، مهدی (۱۳۷۲)، *مدیریت روستایی در ایران*. چاپ اول. تهران: دانشگاه تهران.

طالب، مهدی (۱۳۷۶)، *مدیریت روستایی در ایران*. چاپ چهارم، تهران: دانشگاه تهران.

فوران، جان (۱۳۷۸)، *مقاومت شکننده، تاریخ تحولات اجتماعی ایران*. ترجمه احمد تدین. تهران: مؤسسه خدمات فرهنگی رسا.

قدیری معصوم، مجتبی و ریاحی، وحید (۱۳۸۳)، «بررسی محورها و چالش‌های مدیریت روستایی در ایران». *فصلنامه پژوهش‌های جغرافیایی*، شماره ۵۰.

کوچکیان‌فرد، حسین (۱۳۸۶)، «چالش‌های فراروی روابط شورای اسلامی روستا و دهیاری». *ماهنامه پژوهشی، آموزشی و ترویجی دهیاری‌ها*، شماره ۲۱.

موسوی کربلایی، سید محمد (۱۳۸۵)، «شورا و مشارکت: شوراها، اسلامی، تحقق آرمان جمهوری اسلامی». *ماهنامه شهرداری‌ها*، سال ۶، شماره ۷۴.

مهدوی، مسعود (۱۳۸۱)، *جغرافیای روستایی ایران*. تهران: پیام‌نور.

مهدوی، مسعود و نجفی کانی، مسعود (۱۳۸۴)، «دهیاری‌ها، تجربه‌ای دیگر در مدیریت روستاهای ایران (نمونه موردی: دهیاری‌های استان آذربایجان غربی)». *پژوهش‌های*

جغرافیایی، شماره ۵۳، صص. ۲۱-۳۹.

نعمتی، مرتضی (۱۳۸۵)، *ارزیابی نقش کارکردی نظام نوین مدیریت روستایی، مقایسه تطبیقی دهیاری‌های فعال در روستاهای کوچک و بزرگ، مطالعه موردی: استان گلستان*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد جغرافیای روستایی. تهران: دانشگاه تهران، دانشکده جغرافیا.

نوروزی‌فر، سید عبدالرحیم (۱۳۸۰)، *مدیریت سازمان‌های محلی و شهرداری‌ها*. تهران: وزارت کشور (۱۳۱۶)، «قانون تقسیمات کشور ایران و وظایف فرمانداران و بخشداران». *مجموعه قوانین مجلس شورا مصوب ۱۶ آبان ۱۳۱۶*. تهران: وزارت کشور. وزارت کشور (۱۳۸۲)، *گزارش تعداد دهیاری‌های سراسر کشور*. تهران: وزارت کشور، سازمان شهرداری‌ها، معاونت امور دهیاری‌ها.

Archive of SID